

هدیه‌ای از طرف سید احمد الحسن

امام مهدی علیه السلام را در خواب دیدم؛ بعد از اینکه هدیه‌ای هر چند ساده از ایشان ولو یک رشته نخ که به آن تبرک بجویم، درخواست نمودم، تسبیحی به من داد. تعبیر این رؤیا را می‌خواستم ولی به چیزی دست نیافتم. بعد از چند روز راهی کربلا شدم و در آنجا یکی از انصار اهالی نجف را دیدم؛ تسبیحی داشت که نخ سفید در آن بود و آن را به من داد و گفت: این تسبیح از طرف سید احمد الحسن است، من و سید احمد الحسن نخش را در حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام یافته‌ایم.

به نقل از برادر انصاری، کاظم ناصری، کتاب کرامات و غیبات، صفحه ۲۸

نماز و روزه در قطب

قسمت هشتم

راه‌زنان در مسیر ملکوت

قسمت دوم

شناخت خداوند فقط با شناخت حجت خدا

قسمت دوم

حکم مخالفان و دشمنان دعوت یمانی؛

نقد ادعاهای علی شریفی

امام حسین علیه السلام نهضتی فنا ناپذیر



سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.

۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.

۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پایه‌های خرد

فهرست

- ۳..... امام حسین علیه السلام نهضتی فناپذیر
- ۵..... شناخت خداوند فقط با شناخت حجت خدا | قسمت دوم
- ۸..... راهزنان در مسیر ملکوت | قسمت دوم
- ۱۰..... حکم مخالفان و دشمنان دعوت یمانی؛ نقد ادعاهای علی شریفی
- ۱۳..... احکام تطبیقی، نماز و روزه در قطب | قسمت هشتم



هفته‌نامه زمان ظهور

شماره ۱۳۵، شنبه ۲ مهر ۱۴۰۱،
۲۷ صفر ۱۴۴۴، ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۲
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه‌های ارتباطی:
WWW.VARESin.ORG
WWW.ALMAHDYOON.CO



هرگونه برداشت از هفته‌نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على محمد وآله الطاهرين

امام حسین علیه السلام نهضتی فنا ناپذیر

به قلم: سید علاء علوی

پیروزی امام حسین علیه السلام مقتول، بر یزید قاتل، در درازمدت تأکید تاریخ بر حتمیت پیروزمندی ایمان در این کارزار تاریخی است؛ چراکه نبرد ایمان محض و کفر محض بود. ایمان جوهر انسان است. انسان بدون ایمان یعنی انسانی وجود ندارد و تنها کالبد است.

استمرار قضیه حسین علیه السلام یک راز نیست؛ بلکه باید رازگونه بودن آن را در عطای حسین علیه السلام جست و جو کرد.

بر نهضت حسین دشمنی‌هایی گذشت که کوه‌ها را از جای می‌کند؛ ولی نهضت حسین علیه السلام روز به روز بر نورانیت و انتشار آن در سرتاسر جهان افزوده می‌شود. تاریخ گواهی داده که برخی نسل‌ها در عصری زندگی کردند که نام‌بردن از «حسین علیه السلام» برای سر به نیست کردن گوینده آن کافی بود! تاریخ گواهی داده که زمانی یاد حسین علیه السلام خطرپذیری بزرگی به شمار می‌رفت؛ دست‌ها قطع می‌شد و سرها بر دار می‌رفت!



سید احمد الحسن:

نهضت امام حسین علیه السلام همان نهضت حزب خدا و یارانش علیه طاغوت و حزب اوست؛ همچنین خروج امام حسین علیه السلام همان خروج پیامبر خدا ﷺ اما در شخصیت پسرش حسین علیه السلام است که آقای جوانان بهشت است.

(سرگردانی یا راه به سوی خدا، مبحث گسترش فکری نهضت اسلامی)



ابلیس همه قوای خود را در کربلا به رزمگاه آورد تا نور الهی را فرو بنشانند و حسین (علیه السلام) با حقی که در قلب خویش حمل می کرد، پشت او را به خاک نشانند و همه نقشه های شوم او را تا پایان تاریخ نقش بر آب کرد. حسین (علیه السلام) را در صحرای کربلا سر بریدند و این تازه آغاز ماجرا بود. کربلا از زیر اجساد انقلابگران کربلا روییدن گرفت و چنان امتدادی یافت که «کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا» شد.

هر اقدامی که امام (علیه السلام) در صحرای کربلا انجام داد قدمی جهت به ثمر رسیدن این نهضت عظیم الهی بود. هر ضربه شمشیری، تبدیل به شمشیرهایی شد که بر سر ستمگران تاریخ فرود آمد. هر قطره خونی تبدیل به شعله ای از نهضت های پی در پی پس از عاشورا شد. بر دوش نهضت کربلا، انقلاب کوفه و انقلاب بصره روییدن گرفت و نهضتی در مصر و حرکتی در یمن و انقلابی در شام شکل گرفت و در خراسان توده های مردم قیام کردند؛ تا جایی که سرتاسر جهان اسلام نهضتی عظیم را تجربه کرد.

بدین شکل امام حسین (علیه السلام) برای توده مردم و به خصوص شیعیان، به قضیه ای مستمر تبدیل شد که در همه زمان ها در مقابل هرگونه سلطه ای که خواستار به بردگی کشاندن توده ها باشد، قد علم می کند. بنابراین پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) برای زنده نگه داشتن هرچه بیشتر تعالیم آزادی بخش نهضت امام حسین (علیه السلام) باید با تمام قوا به میدان عمل وارد شوند.

تا تاریخ باقی است، نهضت حسین بر تازک زمان می درخشد. با احیای اهداف حسین (علیه السلام) این خود ماییم که زنده خواهیم شد؛ وگرنه حسین (علیه السلام) نهضتی است فناپذیر و نامتناهی!

با این وجود نام حسین (علیه السلام) بعد از گذر از این همه ظلم، شعار همه مظلومان و مؤمنان و مستضعفان شد. مردمی که این روزگار را تجربه کردند نام حسین (علیه السلام) سلاح آنان برای مواجهه بود. درست است که خطریذیری فراوانی در پی داشت، ولی سر بقای آن ها در مقابله و نبرد بود.

نهضت

امام حسین (علیه السلام)

نهضتی برای نشان دادن اهدافی بود که قیام برای آن ها برای همه واجب بود و بدون آن اهداف، نهضت تبدیل به عملی محدود به زمان می شد و صرفاً جنبه اندوه آن باقی می ماند. این گونه است که حسین (علیه السلام) در نهضت خود نهضتی به بار آورد.

نهضت ها برای جبهه شیطان انجام می شدند، ولی نهضت امام حسین (علیه السلام) برای خداست و راز ماندگاری آن در این مقوله است.

نهضت امام حسین (علیه السلام) نهضت عدل و آزادی است. نهضت نماز بر ارتداد است. نهضت ایمان بر ضد یأس است. تا زمانی که نور این نهضت عظیم روشنایی بخش طریق است، دیگر غم و یأس و بردگی جایی از اعراب ندارد.

با حسین (علیه السلام) دیگر نباید به سراغ چیزی رفت. امام حسینی که در زمانی بسیار کوتاه، به امتی که رهبران منحرف آن را گمراه کرده بودند، حیاتی طویه بخشید. نهضتی به گستردگی تاریخ به عمق وجدان بشریت، توانست مرزهای زمان و مکان را درنوردد و انبوه ستمگری ها و دشمنی ها نتوانست غبار انحراف و نسیان را بر چهره پرفروغ وی بنشانند!

سید احمد الحسن:

نهضت حسین (علیه السلام) آمد تا به مردم در هر مکان و زمان، اعلام دارد که اسلام هدف برپایی امپراتوری عربی را در سر ندارد. هدف اسلام این است که همه مردم روی زمین (لا اله الا الله) بگویند. هدف اسلام، برپاداشتن عدل الهی در زمین است. (سرگردانی یا راه به سوی خدا، مبحث گسترش فکری نهضت اسلامی)



شناخت خداوند فقط با شناخت حجت خدا | قسمت دوم

علم الهی

نویسنده: میعاد مسعودی

در مقاله پیش دانستیم که:

۱. هدف خلقت انسان معرفت یا شناخت خداوند است؛
 ۲. به علت غفلت اکثر انسان‌ها و عدم دسترسی به وحی و ملکوت، تنها راه شناخت خداوند، شناخت حجت او در زمین و بهره‌بردن از علم اوست؛
 ۳. برای شناخت حجت خدا در زمین، وصیت یا نص الهی اولین و اصلی‌ترین ملاک است و به همه حجت‌های خدا وصیت شده است؛
- در این مقاله قصد داریم به دومین ملاک شناخت حجت خدا یعنی علم که به دنبال وصیت می‌آید بپردازیم

در قرآن کریم می‌خوانیم:

(وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...) (و آنگاه که پروردگار تو به فرشتگان فرمود: من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت...) (۱)

(وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (و همه اسم‌ها را به آدم یاد داد، سپس آن‌ها را بر فرشتگان عرضه داشت و گفت اگر راست می‌گویید به من از نام‌های ایشان خبر دهید). (۲)

سید احمد الحسن:

علم حجت، آن‌گونه که بیان نمودم، وحیی همیشگی است که از سوی خداوند به حجت اوست، در خصوص همه چیزهایی که انسانیت برای رهایی و شناخت حق و شناخت آنچه خداوند از انسان‌ها می‌خواهد، به آن نیازمند است.
(عقاید اسلام، مبحث علم خلیفه خداوند در زمین)

آیات بالا اشاره به این دارند که خداوند پس از وصیت بر آدم علیه السلام به عنوان اولین حجت و خلیفه اش در زمین به او علم آموخت؛ علمی که تمام فرشتگان از آن عاجز بودند و برای معرفت بیشتر به خداوند و ارتقا، به آن علم محتاج بودند...

حارث بن مغیره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: صاحب این امر با چه اموری شناخته می شود؟ فرمودند: «با آرامش و وقار و علم و وصیت». (۳)

از امام رضا علیه السلام پرسیدند: ای فرزند رسول خدا، امامت با چه چیز ثابت می شود؟ فرمودند: «با نص و دلیل».

پرسید: دلیل امامت چیست؟ فرمودند: «علم و استجابت دعای او». (۴)

سید احمد الحسن در کتاب زیبای عقاید اسلام می فرماید:

«خلیفه خدا همان عالمی است که می تواند از غیر خودش بی نیاز باشد و هیچ یک از مردم از او و علمش بی نیاز نیست؛ چون خداوند هر چه در دین حادث شود و هر چه را اهل زمانش در امور دین نیاز دارند به او وحی می کند. منظور از علمی که باید همراه خلیفه خدا باشد در اینجا همان علم دین است که خلیفه خدا مکلف به تبلیغ آن برای مردم است؛ بنابراین خلیفه خدا باید به پروردگار متصل باشد و خداوند آنچه را او در تبلیغ رسالتش و رساندن دین حق مورد رضای خدا و احکام جدید الهی و فصل الخطاب و رفع اختلافات مردم نیاز دارد به او بیاموزد. همین امر (علم به امور جدید و فصل الخطاب و رفع اختلافات علمی مردم) می تواند برای شخص طالب حق، دلیلی بر معرفت خلیفه خدا باشد که دلیل نص و وصیت را تأیید کند...». (۵)

سید احمد الحسن در توضیح و تبیین بیشتر نوع علمی که همراه حجت خداست می فرماید:

علمی که باید خلیفه خداوند در زمین دارا باشد، شناخت چیزهایی است که نجات مردم در آخرت وابسته به آن است و آن "علم به عقاید و تشریع" است؛ در نتیجه باید به او وحی شود تا سخن نهایی نزد او باشد و اعتقاد حق و شریعت حق و امور جدیدی را که در تشریع به وجود می آید، بیان کند.

علم چیزی نیست که بوده است، بلکه چیزی است که ایجاد می شود؛

به عنوان مثال، شناخت خلیفه خداوند با استفاده از کتاب خلیفه پیشین یا حفظ بودن آن کتاب یا حفظ بودن تشریع پیشین، این ها علوم مهمی نیستند که لازم باشد خلیفه خداوند در زمین آن ها را دارا باشد؛ چرا که این گونه امور نزد مردم هست و هر انسان دیگری امکان به دست آوردن آن را دارد و داشتن آن، فضیلتی برای خلیفه خداوند نیست؛ بلکه فضیلت و برتری این است که چیزی را بداند که مردم نمی دانند و این موضوع فقط با وحی در لحظات شبانه روز امکان پذیر است. همه مردم به این علم نیازمند هستند تا رهایی یابند؛ در حالی که او به هیچ یک از مردم زمانش نیازمند نیست؛ دقیقاً مانند وضعیت آدم و فرشتگان. فرشتگان نسبت به علم آدم، جاهل و به علم او (درباره نام های آنان) نیازمند بودند؛ به همین دلیل است که او بر آنان برتری دارد و یادگیری و اطاعت از او بر آنان واجب است...». (۶)

سید احمد الحسن:

هر حجتی کتاب خود و شناخت مخصوص به خود و مردم زمانش را و آنچه را آن مردم به

آن نیازمندند داراست.

(عقاید اسلام، مبحث علم خلیفه خداوند در زمین)

سؤال مهمی که پاسخ آن معماهای بسیاری را حل خواهد کرد اینک:

آیا علمی که در روح حجت خداست و در حقیقت او به ودیعه گذاشته شده، در زمین و در همه حال در دسترس اوست؟

سید احمد الحسن می فرماید:

«همیشه باید به این نکته توجه کنیم که ما دربارهٔ خلیفهٔ خداوند در این عالم جسمانی سخن می گوئیم و از روح ایشان و آنچه در آن به ودیعه گذاشته شده، سخن نمی گوئیم. ایشان در این عالم، مانند بقیهٔ مردم، مسائل زیادی را نمی داند، و فقط مطلبی را می داند که کسب کرده است، یا آنچه خداوند خواسته است تا او از طریق وحی بداند؛ آن هم بر اساس حکمت خداوند حکیم مطلق، نه بر اساس کج فهمی ها و درخواست های مردم.

این امکان وجود دارد که خداوند به خلیفه اش موضوعی را بشناساند که او ناچار از دانستن آن است و بر این اساس از برخی آموزه هایی که در صفحهٔ وجود او به امانت نهاده شده است، پرده بردارد. آموزه هایی که این بدن و این عالم و کثرت آن، آن ها را از او محجوب نموده است. نتیجه اینکه علم حجت، آن گونه که بیان نمودم، وحیی همیشگی است که از سوی خداوند به حجت اوست؛ دربارهٔ همهٔ چیزهایی که انسانیت برای رهایی و شناخت حق و شناخت آنچه خداوند از انسان ها می خواهد، به آن نیازمند است.

علمی که دانستن آن برای حجت خدا لازم است، به هیچ وجه آگاهی از زبان های کتاب های آسمانی یا زبان های دیگر یا حفظ جملات

کتاب های آسمانی نیست؛ بلکه او باید همهٔ معانی که در همهٔ کتب آسمانی وارد شده است و حقایقی را که به آن اشاره شده است، با خود داشته باشد؛ بدون اینکه نیازمند خواندن آن یا آماده کردن آن نزد خودش باشد. همهٔ کتب آسمانی در صفحهٔ وجودی معصوم، به عنوان حقایق و معانی در مرتبهٔ حقیقت و معنا، به امانت نهاده شده است. هر حجتی کتاب خود و شناخت مخصوص به خود و مردم زمانش را و آنچه آن مردم به آن نیازمندند را داراست. اصلاً علمی که بر حجت واجب است، آگاهی از علوم مادی نیست؛ حتی علوم ضروری برای زندگی مردم، مانند پزشکی؛ درخواست پزشک، توسط حسن و حسین علیه السلام برای درمان امیرالمؤمنین علیه السلام برای طالب حق کافی است.» (۷)

در ادامه به سومین راه شناخت حجت خدا، یعنی دعوت به حاکمیت خدا خواهیم پرداخت. با ما همراه باشید...

منابع:

۱. بقره، ۳۰.
۲. بقره، ۳۱.
۳. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ج ۱، ص ۴۸۹؛ بحار الانوار، ج

سید احمد الحسن:

فضیلت و برتری [خلیفه] این است که چیزی را بداند که مردم نمی دانند؛ و این موضوع فقط با وحی در لحظات شبانه روز امکان پذیر است. همهٔ مردم به این علم نیازمند هستند تا رهایی یابند؛ در حالی که او به هیچ یک از مردم زمانش نیازمند نیست؛ دقیقاً مانند وضعیت آدم و فرشتگان (عقاید اسلام، مبحث علم خلیفهٔ خداوند در زمین)

- ۲۵ ص ۱۳۸.
۴. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۱۶.
۵. کتاب عقاید اسلام، نوشتهٔ سید احمد الحسن، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.
۶. کتاب عقاید اسلام، نوشتهٔ سید احمد الحسن، ص ۲۴۸.
۷. کتاب عقاید اسلام، نوشتهٔ سید احمد الحسن، ص ۲۴۹ و ۲۵۰.

راهزنان در مسیر ملکوت

اقسمت دوم

این اعتقاد و کلام مذموم و زشتی است که مخالفت آن با قرآن برای ما مشخص شد.

سید احمد الحسن علیه السلام در این خصوص می فرمایند: «آیا عقل قبول می کند که شیطان از تنزیل قرآن و قرائت آن عاجز باشد، اما بر نمایان شدن به صورت محمد صلی الله علیه و آله قادر باشد، در حالی که محمد صلی الله علیه و آله کلمه تام خدا و قرآن ناطق است؟ به خدا سوگند، این تقسیم بندی ناعادلانه است.» کتاب عقاید اسلام، احتمال اینکه رؤیا از ناحیه شیطان باشد.

عرضه بر روایات

در روایات زیادی وارد شده است که شیطان قادر نیست به صورت معصوم و امام یا مؤمنی ظاهر شود. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس مرا در خواب ببیند، گویا خودم را در بیداری دیده است و شیطان شبیه و مثل من نمی شود.» بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۲۳۵
امام رضا علیه السلام در تأیید شخصی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در رؤیا دیده بود، نقل می کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس مرا در خوابش ببیند، خود مرا دیده؛ چرا که شیطان به صورت من و اوصیای من در نمی آید و رؤیای صادقه جزئی از هفتاد جزء نبوت است.» من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴
در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام بعد از آنکه فضل بن حارث ایشان را در خواب دیده بود امام مسائلی را به او فرموده بود. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «به درستی که کلام ما در خواب مثل کلام ما در بیداری است.» سفینه البحار، ج ۱۰، ص ۱۹۹

رسول الله صلی الله علیه و آله: «هرکس مرا در خواب ببیند پس حقیقتاً

عرضه بر قرآن

پس از آنکه با ابزار سنجش و ارزیابی آشنا شدیم چنین تعبیری را که معاندین با استفاده از روایت رؤیای فاطمه زهرا علیها السلام اخذ کرده اند، مبنی بر اینکه شیطان می تواند در خواب ها به شکل رسول خدا صلی الله علیه و آله ظاهر شود به قرآن و روایات ارجاع می دهیم.

ابتدا به قرآن مراجعه می کنیم.
خداوند در آیات ۲۱۰ الی ۲۱۲ شعراء می فرماید:
(وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ * وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ * إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْرُولُونَ) (آن را شیاطین نازل نکرده اند، و سزاوار آنان نیست، و قدرت [وحی کردن] را ندارند، بی تردید آنان از شنیدن عاجزند).

طبق آیات قرآن شیاطین عاجز تر از آن هستند که بتوانند کلمه ای از قرآن را وحی کنند؛ بلکه عاجز تر از آن هستند تا بتوانند وحی خدا رو بشنوند؛ و این در حالی هست که رسول الله کلمه کامل خدا و قرآن حقیقی و کتاب خداست، و آنان که چنین ادعایی دارند مطلب بزرگی را قصد نموده، در حالی که شیطان عاجز تر از آن است که بتواند حتی کلمه ای از آن را در عالم ملکوت بشنود، چه برسد به اینکه در تمثال آن حضرت در ملکوت ظاهر شود.

اما عناد و دشمنی، برخی آن ها را تا بدین جا رسانده که به شیطان عظمت و قدرتی مافوق تصور می دهند؛ بلکه او را غالب و مسلط بر ملکوت و آسمان ها می دانند؛ پس آن هایی که در چنین اعتقادی هستند نادانسته شیطان را مدح کرده و او را قادری عظیم بر ملکوت خداوند قلمداد می کنند و این شرک و کفری عظیم است که ناخواسته به واسطه دشمنی با خلفای الهی در آن داخل شده اند.

سید احمد الحسن:

آیا عقل قبول می کند که شیطان از تنزیل قرآن و قرائت آن عاجز باشد، اما بر نمایان شدن به صورت محمد صلی الله علیه و آله قادر باشد، در حالی که محمد صلی الله علیه و آله کلمه تام خدا و قرآن ناطق است؟ به خدا سوگند! این مسئله، تقسیم بندی ناعادلانه ای است.
(عقاید اسلام، مبحث احتمال اینکه رؤیا از ناحیه شیطان باشد)



می دانم آن شیطان برای رهبر شما مجسم شده؛ از او پرهیزید.» بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۲۵ و ۳۲۶

اهل بیت علیهم السلام تأکید مؤکدی بر این موضوع دارند که شیطان قادر نیست در تمثال رسول خدا در بیاید و این سخن معاندین نقض می شود؛ بلکه می بینیم اهل بیت علیهم السلام در روایات زیادی، برای مردمی که زمان رسول خدا را درک نکرده اند، دستورالعمل های مختلفی برای دیدار با پیامبر و اهل بیت پاکش در خواب و مکاشفات ارائه می دهند. همچنین در فعل ائمه قواعد خاصی برای تشخیص پیامبر نمی بینیم؛ بلکه صرفاً ادعیه ای ذکر شده جهت عمل برای خواب دیدن ائمه علیهم السلام که به عنوان مثال چند نمونه را ذکر می کنیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس سوره مزمل را بخواند پیامبر را در خواب می بیند و هرچه بخواهد می تواند از او پرسد.» مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۸.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرکس سوره قدر را بعد از نماز زوال و قبل از ظهر یازده مرتبه بخواند، نمی میرد تا اینکه پیامبر را در خواب ببیند.» فضائل القرآن الکریم و خواص سوره وآیات، صالحی نجف آبادی، ص ۴۸. سید جلیل ابن باقی در اختیار المصباح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «هرکس بعد از هر نماز واجبی این دعا را بخواند، همانا که امام (م ح م د) بن الحسن را در بیداری یا خواب مشاهده خواهد کرد...».

شیخ مفید در کتاب «اختصاص» از امام کاظم علیه السلام روایت کرده است که: «هرکس درخواستی از خداوند تبارک و تعالی دارد و می خواهد ما را ببیند و مرتبه خود را بداند، پس اول شب غسل کند و با ما مناجات نماید و بدین گونه که خدا را به حق ما قسم دهد و به وسیله ما به او متوسل شود تا خداوند او را به مشاهده ما موفق گرداند و مقامش را در نزد ما به او نشان دهد.» سپس فرمودند: «به درستی که ما را خواهد دید و خداوند او را به خاطر ما می آمرزد و مقام و محلش بر او پوشیده نمی ماند.»

جهت مطالعه روایات بیشتر می توانید به کتاب «سخن نهایی درباره حجیت رؤیای خردمندان، جلد ۱ و ۲» مراجعه کنید. (ترجمه این کتاب به زودی در سایت رسمی فارسی منتشر خواهد شد).

خود مرا دیده است و من به هر شکلی دیده می شوم.» بحار الانوار ج ۵۸ ص ۲۳۵

سلیم بن قیس گوید به محمد گفتم: چه کسی درباره این پنج نفر که گفتند با امیرالمؤمنین حدیث کرده، گفته که رسول الله را هر شب در خواب می بیند و با او سخن می گوید همان طور که در بیداری و در زمان حیاتش سخن می گفت و به راستی که رسول الله فرموده هرکس مرا در خواب ببیند، به راستی که مرا دیده و شیطان در خواب و بیداری نه به صورت من و نه به صورت هیچ یک از اوصیایم تا روز قیامت در نمی آید. سلیم گوید: به محمد گفتم چه کسی تو را از این حدیث با خبر کرده؟ گفت: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب. گفتم: من نیز آنچه تو از ایشان شنیدی را شنیدم. کتاب سلیم بن قیس، تحقیق محمد باقر الأنصاری، ص ۳۵۰ و ۳۵۱

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مرا از حمزه با خبر کن. آیا وانمود می کند که پدرم به سوی او آمده؟» عرض کردم: بلی. فرمود: «به خدا سوگند دروغ گفته و هرچه به سوی او آمده چیزی جز متکون نیست. به راستی که ابلیس (لع)، شیطانی مسلط ساخته که به او متکون گفته می شود که در هر صورتی که بخواهد به سوی مردم می آید، خواه در چهره کوچک و خواه در چهره بزرگ؛ و به خدا قسم که نمی تواند با چهره پدرم متجلی شود.» بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲۵، ص ۲۸۱

علی بن عقبه از پدر خود نقل کرد که گفت من خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم، سلام کردم و نشستم. به من فرمود: «در همین جا که نشسته ای ابوالخطاب با هفتاد نفر نشسته بودند که هر کدام به واسطه پیروی از ابوالخطاب به مصیبت و گرفتاری مخصوصی دچار خواهند شد. بر آنها ترحم نموده به ایشان گفتم نمی خواهید فضائل مسلمان را توضیح دهم؟ تمام آنها گفتند بله فدایت شویم. گفتم از فضائل مسلمان این است که بگویند فلانی قاری قرآن و کتاب خداست و دارای ورع و پرهیزکاری است و فلانی در عبادت پروردگار کوشاست. این است فضایل یک مسلمان. شما را چه به ریاست طلبی! مسلمانان همه در یک ردیف هستند. پرهیزید از گرد آمدن و دسته بندی که این خود موجب هلاکت است. من از پدرم علیه السلام شنیدم می فرمود شیطانی وجود دارد به نام "مذهب" که می تواند به هر شکلی درآید، جز به صورت پیامبر یا وصی پیامبر.

سید احمد الحسن:

حقیقتی که این گروه به آن جاهل هستند این است که شیاطین جرئت ندارند و نمی توانند به کسی رؤیا نشان دهند، به اینکه او خلیفه خدا در زمین است یا فلان شخص، خلیفه خدا در زمین است؛ بلکه رؤیاهای شیطان (نعوذ بالله)، همان خواب های ناراحت کننده و سفیهانه است (عقاید اسلام، مبحث احتمال اینکه رؤیا از ناحیه شیطان باشد)

مروری بر نوشته های مخالفان ا قسمت ششم

حکم مخالفان و دشمنان دعوت یمانی؛ نقد ادعاهای علی شریفی

به قلم: محمد شاکری

انجام دهد غسل توبه است. چرا، چون قبلش نجس بوده.» او با اشاره به پاسخ پرسش ۵۶۳، جلد ششم کتاب پاسخ های روشنگرانه مدعی شده است سید احمد الحسن معتقد به نجاست مخالفان دعوت یمانی و بلکه بالاتر، معتقد به نجاست همه غیرمؤمنین شده است، ولو خبری از دعوت نشنیده باشند که بخواهند مخالف باشند.

در پرسش مذکور، یکی از مؤمنین از سید احمد الحسن می پرسد که بعد از ایمان به دعوت بدون اطلاع از وجوب غسل توبه چند روزی را بدون غسل توبه نماز خوانده است و خواستار آگاهی از حکم نمازش

و باشعور با شنیدن سخنان او به حالش تأسف خورده و عاقبت این گونه افراد را که حتی لایق پاسخ و مباحثه نیستند به دست قضا و قدر زمان می سپارد؛ اما به جهت اینکه برای برخی از محققین دعوت یمانی جای شک و شبهه باقی نماند، به قسمتی از ادعاهای او درباره حکم مخالفان و معاندان دعوت یمانی می پردازیم.

او در قسمتی از کلماتش به حکم غسل توبه برای کسانی که به دعوت یمانی ایمان می آورند اشاره کرده است. وی با نیشخند به این حکم، می گوید: «کسی که به احمد ایمان می آورد باید یکی از اعمال واجبی که

علی شریفی از مخالفان و البته از معاندان دعوت یمانی است که با عزمی راسخ تصمیم گرفته نادانی خویش را به رخ شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام بکشد. او در چند برنامه زنده تصویری سعی کرده است با بیان برخی اشتراکات دعوت یمانی با فرقه های دروغینی همچون بهائیت، به مخاطبین خود القا کند که دعوت یمانی نیز همچون فرقه های باطل دیگر در مسیر انحرافشان مشترک هستند.

او با خنده های کریه و ادعاها و سخنان جاهلانه اش در صدد سخره گرفتن دعوت یمانی بوده است؛ غافل از اینکه انسان دانا

سید احمد الحسن:

خوارج، قرآن تلاوت می کردند و زمزمه های همچون صدای زنبور از آن ها شنیده می شد، ولی قرآن از گلوهای آن ها پایین تر نمی رفت. امروز هم سنت آن ها را قدم به قدم تکرار می کنید... نه فرمانش را تعقل می کنید و نه از اولیایش می پذیرید. حکمتی رسا، ولی بیم دادن ها سودشان ندهد.

(پاسخ های روشنگرانه، جلد ۵، پرسش ۵۱۴)



من پاک کند.» و گفته که این بنا بر این است که مراد از تطهیر بدن تطهیر معنوی باشد. (محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۵ ص ۵۲).

با اینکه سید احمد الحسن در پاسخ سؤال فوق الذکر، نماز و عبادات شخص را صحیح دانسته و نگفته است که علت غسل توبه، نجاست است، اما این شخص فریب کار با صراحت و نادانی، علت این حکم را نجاست غیر مؤمن معرفی کرده است. این در حالی است که سید احمد الحسن در احکام نجاست کافر، به صراحت گفته است که مردم به خودی خود نجس نیستند. در کتاب احکام نورانی اسلام آمده است: «قاعده کافر از نظر نجس بودن به شرح زیر است: هرکس وجود خداوند را انکار کند (نه اینکه موضع نمی دانم یا لادری گری اتخاذ کرده باشد) نجس است. فرد ناصبی که دشمن یکی از امامان یا مهدیین یا شیعیان شان از آن رو که شیعه آن ها هستند باشد همین حکم را دارد. سایر مردم به خودی خود نجس نیستند.»

نداشتن مدرک سیکل، و حوزه و دانشگاه خواندن علی شریفی همیشه کار دستش می دهد! در همین متن فوق، او نه تنها قادر به مراجعه به کتب اصلی نیست چون به زبان عربی نوشته شده است بلکه حتی از روی متن فارسی و ترجمه نیز نمی تواند درست بخواند و بفهمد!

در این متن به صراحت آمده است که اولاً نجاست کافر شامل حال مطلق مخالفین نمی شود؛ بلکه برای نجاست و اطلاق حکم کافر لازم است شخص از دشمنان ائمه یا مهدیین باشد؛ ثانیاً، دشمنان شیعیان و پیروان و مؤمنین به ائمه و مهدیین نیز در حکم کافر هستند، به شرط اینکه دشمنی دشمن از جهت دین داری و اعتقاد ایشان به ائمه و مهدیین باشد، نه مطلق هر عداوتی. لذا معنا ندارد کسی به سید احمد الحسن به عنوان اول المهدیین ایمان داشته باشد، اما با پیروان و شیعیان او دشمنی داشته باشد از آن جهت که پیرو و مؤمن به سید احمد الحسن است.

آقای شریفی حتی این را هم نمی فهمد و با اینکه متن فارسی جلوی اوست اما می گوید این متن به این معناست که حتی اگر سید احمد الحسن را قبول داشته

شده است. سید احمد الحسن در پاسخ می گوید: «نماز و عبادات شما قبل از غسل توبه بدون اشکال است و تکرار آن نیز بر شما واجب نیست.» (پاسخ های روشن گرانه، جلد ۶، پرسش ۵۶۳)

مشکلی که دعوت یمانی در مواجهه با این گونه اشخاص دارد این است که این افراد به دلیل نداشتن حداقلی سواد دینی، اصلاً نه متوجه می شوند که چه می گویند و نه متوجه پاسخ ها می شوند.

علی شریفی همان است که رفیقش حسینی قزوینی درباره اش گفته است: «به احمد الحسنی ها میگم این آقای شریفی نه حوزه خوانده نه دانشگاه رفته، سیکل هم نمی دانم دارد یا ندارد فقط بحث های ما را در رسانه ها دیده. این شریفی نماینده من است و اگر او را شکست دادید من قزوینی را شکست داده اید.» خود آقای قزوینی و اشکالات ضعیفش قبلاً توسط انصار امام مهدی (عج) که امروزه در بند زندان هستند پاسخ جامع داده شد و برایش روشن شد که نه تنها قادر به مقابله با دعوت یمانی نیست، بلکه اساساً شبهات سستی را مطرح می کند که یقیناً اعتقادات مسلم شیعه را می گیرد؛ در نتیجه صلاح را بر آن دید که افراد درس خوانده و سیکل نداشته خود را به میدان بفرستد که اصلاً قابلیت مباحثه ندارند و صرفاً با سخنان و حرکات سخیف تبر به اعتقادات مسلم اسلام و شیعه می زنند.

از همین رو اگر این شخص حداقل چند کلاس از حوزه را خوانده بود می دانست که غسل توبه از احکام مسلم اسلام است و کسی در استحباب این غسل بعد از فسق و کفر شکی ندارد؛ اگرچه در وجوب غسل توبه برای تازه مسلمان اختلاف است. (رک: شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱ ص ۱۰۷).

صاحب کتاب جواهر الکلام بر اساس روایات و ادعای اجماع علما معتقد است خلاقی در استحباب غسل توبه بعد از کفر چه کفر اصلی و چه کفر ارتدادی نیست. وی به روایاتی نیز استناد می کند و می گوید که پیامبر (ص) قیس بن عاصم و تمامه بن آفال را وقتی مسلمان شدند دستور به غسل داد؛ همچنین وی به حدیث قدسی اشاره کرد که آمده است: «ای محمد، هرکس کافر بوده است و بخواهد توبه کند و ایمان بیاورد باید لباس و بدنش را برای

سید احمد الحسن:

رفتار حضرت قائم (عج) با مردم، همچون سیره جدش امیر المؤمنین (عج) نیست و همان طور که معروف است، ائمه اطهار (ع) این موضوع را در سخنان خویش تبیین نموده اند. او می آید تا باطل را رسوا و ریشه کن سازد و زمینی را که تبهکاران و بیدادگران آن را پر از ظلم و جور کرده اند، به زمینی سرشار از عدل و داد الهی بدل نماید. (در محضر عبد صالح، جلد ۱)

آیا رواست که وهابی‌ها به چنین احکامی خرده بگیرند یا نه؟ و بالاتر از آن آیا غیر مسلمانان حق دارند به این احکام خرده بگیرند یا نه؟ اگر حق دارند، که علی شریفی باید دهانش را ببندد و اگر حق ندارند، پس باز باید دهانش را ببندد.

در قسمت بعد اشکال او دربارهٔ محترم بودن یا نبودن اموال ناصبی را بررسی می‌کنیم...

اما محکوم به نجاست نیستند. (رک: کتاب الطهارة، ج ۳، ص ۴۵۷)

چه تفاوتی هست بین این حکم آقای خمینی و حکمی که سید احمدالحسن داده است؟

کسی که با حجت‌های خدا دشمنی کند ناصبی و نجس است چه پیامبران و چه ائمه و چه مهدیین و نیز با شیعیان و پیروان ایشان دشمنی کند از آن جهت که آن‌ها چنین ادعایی دارند و افرادی به دعوتشان پیوسته‌اند. آیا حکم فقهای شیعه تاکنون همین نبوده است که امروزه باید به این حکم شرعی سید احمدالحسن خرده گرفته شود؟ علی شریفی اگر قادر به خواندن کتب سطح عالی حوزه نیست، حداقل می‌توانست رسالهٔ مراجع را باز کند و در احکام کافر تأمل کند! در مسئله ۱۱۰ رساله‌ها آمده است: «اگر مسلمانی به یکی از دوازده امام دشنام دهد یا با آنان دشمنی داشته باشد نجس است.»

باشی، اما انصار و اتباع او را قبول نداشته باشی، پس ناصبی و کافر هستی. او صوتی از شیخ عباس فتحیه از انصار امام مهدی علیه السلام را که در بند زندان است پخش می‌کند که با صراحت می‌گوید: «هرکس با ائمه یا مهدیین علیهم السلام عداوت و دشمنی کند ناصبی است.» اما پس از پخش این صوت مستقیماً به شیخ عباس فتحیه اتهام می‌زند که او گفته است: «کسانی که احمد را قبول ندارند همه‌شان ناصبی هستند.» گویی علی شریفی نه تنها قدرت خواندن از روی متن را ندارد، بلکه حتی قدرت فهم و شنیدن از روی صوت را هم ندارد و با اینکه شیخ فتحیه با صراحت اعلام کرده است که فقط دشمنان ائمه و مهدیین ناصبی هستند، اما او می‌گوید که گفته همهٔ غیرمؤمنین ناصبی هستند!

آقای خمینی نوشته است که قدر قطعی و یقینی از اجماع این است که نواصب و خوارج، کافر هستند (کسانی که با ائمه

علیهم السلام یا یکی از ایشان نصب عداوت می‌کنند به عنوان دینشان) و طبق روایتی، حتی حمام کردن در حمامی که این جماعت در آن شست و شو می‌کنند نهی شده است. او ادامه داده است که دیگر دشمنان ائمه علیهم السلام اگر برای اغراض دنیوی دشمنی و خروج کنند، در این صورت اگرچه خبیث‌تر از سگ‌ها و خوک‌ها هستند و از حیث عذاب بدتر از کفار هستند،

سید احمدالحسن:

باید بر حذر باشیم که امروز و فردا همانند عمر بن سعد (لغت خدا بر او باد) نباشیم، که حق را تنها گذاریم و با بهانه‌هایی زشت و دلایلی واهی عذرآوری کنیم.

احکام تطبیقی

نماز و روزه در قطب

اقسمت هشتم

نویسنده: علی تهرانی

در هم آمیخته شد؛ و این علاوه بر خود دین با تمام احکام و عقایدش است.

اما علت وجود همین اشکال هنگام عرضه فتاوی فقهای که ظاهراً به تشیع نسبت داده می‌شوند چیست؟!

و پاسخ:

نتیجه‌ای که هر منصفی به آن می‌رسد این است که آن‌ها نیز روش برگرفتن از منبع زلال را رها کردند و بر حد و حدودی که ائمه هدایت علیهم‌السلام برای شیعیانشان ترسیم فرموده‌اند، باقی نماندند؛ پس قواعد ظنی را بنیان نهادند؛ قواعدی که آن‌ها را نیز تا تشریع بر اساس آرا، نظرات، ظنیات و اوهام پیش برد و در نتیجه هر دو گروه تا به این حد بزرگی که مشاهده کردیم، شبیه یکدیگر شدند.

در قسمت قبل، نظرات دو تن از مراجع تقلید شیعه، درباره نماز و روزه در قطب را بیان کردیم. نظر آقای سید صادق شیرازی و سید محمدصادق روحانی. امیدواریم در این قسمت نیز با ما همراه باشید.

به‌طور قطع و یقین اگر فهرست ارائه نظرات مراجع تقلید شیعه ادامه پیدا کند، نظرات جدید دیگری نیز خواهیم دید؛ اما آنچه عرضه داشتیم متناسب با حال و هوای این سلسله مقالات است که مبنی بر اختصار و خلاصه‌گویی است.

چه بسا اولین پرسشی که اکنون به ذهن خطور می‌کند، این باشد که ما قطعاً علت و سبب تعدد نظرات علمای اهل سنت را می‌دانیم که دنباله‌رو و پیرو اعتقاد معروفشان شدند و افرادی که خداوند آن‌ها را پیش انداخته است، عقب انداختند. این اعتقاد، آن‌ها را به تشریع بر اساس ظنیات و اوهام و خواست‌ها رساند؛ در نتیجه درباره یک مسئله، آرا و نظرات، متعدد و گمان‌ها

سید احمد الحسن:

مالک حقیقی زمین و اهل آن فقط خداست و هیچ‌کس در ملک خدا بدون اجازه او ولایت و حق تصرف ندارد؛ در حالی که اعتقاد به حاکمیت مردم چه در مقام تشریع و قانون‌گذاری و چه در اجرا و عمل، به‌معنای امکان تخلف از این قاعده کلی و عقلی استخلاف است. (عقاید اسلام، مبحث حاکمیت در مقام قانون‌گذاری و اجرا مخصوص خداست)



فتوا داده است.

۴. مقایسه با نزدیکترین مناطق صورت نمی گیرد و فقط با مناطق معتدل مثل مکه یا کربلا انجام می شود؛ به علاوه نقل مکان به شهری دیگر یا قضا بر مکلف واجب نیست. سید صادق شیرازی و شیخ مکارم شیرازی بر این نظر فتوا داده اند.

۵. تفصیل آن به شرح زیر است:

در حالت نبودن روز: چیزی از اوقات نماز محقق نمی شود و نزدیکترین شهرها به آن منطقه هم در نظر گرفته نمی شود و تنها اوقات نمازهای پنج گانه روزانه در بیست و چهار ساعت با توجه به آنچه متناسب با موقعیت خورشید در افق است، توزیع می شود؛ که چگونگی این کار هم با تأمل دانسته می شود.

در حالت نبودن شب: قرار گرفتن خورشید در بالاترین موقعیت، وقت نماز ظهر است؛ اما سایر نمازها را با نیت مردد بین انجام فریضه آن روز یا قضای روز گذشته به جا می آورد. سید محمد سعید حکیم به این صورت فتوا داده است.

۶. اگر بتواند به جایی دیگر هجرت کند که چنین می کند؛ وگرنه مکلف می تواند به وسع خود یکی از این اختیارات را برگزیند: نمازهای پنج گانه را با توزیع کردن بر بیست و چهار ساعت به جا آورد، یا وضعیت خود را با شهرهای معتدل بسنجد، یا وضعیت خود را با نزدیکترین شهرهای معتدل به خود بسنجد و نه به طور مطلق هر شهر معتدلی، یا وضعیت خود را با شهری که پیش تر در آن سکونت داشته است بسنجد و نه هیچ شهر دیگری. آقای روحانی بر این اساس فتوا داده است.

دوم، روزه، که شامل نظراتی است:

۱. نقل مکان به شهری دیگر بر وی واجب است و با عدم توانایی، روزه از او ساقط می شود. آقای سیستانی چنین فتوا داده است.
۲. اگر بتواند هجرت کند از آن منطقه مهاجرت کند؛ وگرنه بعداً قضای روزه بر وی واجب می شود. شیخ وحید خراسانی چنین فتوا داده است.
۳. روزه با در نظر گرفتن نزدیکترین مناطق با عدم جواز اقامت در این مناطق گرفته می شود و بر او قضا واجب نیست. شیخ بشیر نجفی به این نظر فتوا داده است.
۴. روزه فقط با سنجیدن آن منطقه با نزدیکترین مناطق نسبت به آن به جا آورده می شود. آقای کاظم

و همان طور که آیه شریفه زیر را هنگام بررسی فتاوی علمای اهل سنت در مسئله مورد تحقیقمان بیان داشتیم، منصفانه دیدم که در این تحقیق علمی اکنون نیز آن را تکرار کنم؛ چرا که همان علت و سبب موجود است.

قرآن کریم می فرماید: **(أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا)** (آیا در قرآن نمی اندیشند؟ اگر از سوی غیر خدا می بود قطعاً در آن اختلافی بسیار می یافتند). (نساء، ۸۲)

اگر محل استناد این علما در آرا و نظراتی که بیان داشته اند، خداوند و خلفای بزرگوارش بودند، قطعاً گفته هایشان درباره یک مسئله متفاوت نمی شد و رو در روی یکدیگر قرار نمی گرفتند؛ این یک نکته ائمه علیهم السلام بیان فرموده اند خداوند در هر واقعه ای یک حکم دارد و کسی که در آن حکم خطا کند، قطعاً به حکم شیطان و اهل جاهلیت حکم کرده است؛ و از آنجا که این احکام متعدد و متفاوت هستند، پس مستند به دین حق خداوند و اساس استوار آن که جز به حق و صدق و یقین نمی رساند، نیستند.

فهرست آرا و نظراتی که از سوی فقها عرضه شده به قرار زیر است: حالت ناپدید شدن شب یا روز، در مناطق قطبی:

اول، درباره نماز، که شامل نظریاتی است:

۱. نماز با توجه به نزدیکترین شهرهایی خوانده می شود که در آن ها شب و روز طی بیست و چهار ساعت وجود دارد، و بر مکلف واجب نیست برای نماز خواندن به صورت طبیعی به شهر دیگری نقل مکان کند و واجب نیست در وقت دیگری قضا نماید. آقای سیستانی و حائری بر این نظر فتوا داده اند.
۲. نماز با در نظر گرفتن نزدیکترین مناطق خوانده می شود. مثل رأی اول. با عدم جواز اقامت در این مناطق؛ ولی قضا در وقتی دیگر بر او واجب نیست. شیخ بشیر نجفی چنین فتوا داده است.
۳. علاوه بر فتوای پیشین، قضا هم در وقتی دیگر اضافه می شود؛ به علاوه به جا آوردن نماز با مقایسه آن منطقه با نزدیکترین منطقه ای که در آن شب و روز طی یک روز وجود دارد انجام می شود. شیخ وحید خراسانی چنین

سید احمد الحسن:

متأسفانه بسیاری کسانی که خود را عالم می دانند با اینکه حتی تفسیر دو سوره از قرآن کریم را مطابق آنچه از اهل بیت رسیده است، به درستی نمی دانند و از روایات معصومین جز اندکی خوانده و غالباً به برخی روایات فقهی اکتفا کرده اند. اینان از چه روی خود را عالم می پندارند؟

آن- و اگر نمی توانست چنین کند، فدیۀ بدل از روزه بر او واجب می شود. آقای سیستانی چنین فتوا داده است.
۲. طبق شهر مکه مکرمه یا دیگر مناطق معتدل روزه می گیرد. سید صادق شیرازی چنین فتوا داده است.
۳. اگر خورشید طلوع و غروب داشته باشد ولی فجر در کار نباشد، طبق نزدیک ترین شهر به خودش که در آن فجر وجود دارد روزه می گیرد. سید کاظم حائری چنین فتوا داده است.

۴. تفصیل آن به قرار زیر است: اگر پس از پنهان شدن خورشید سفیدی وجود داشته باشد، روزه از آن سفیدی آغاز و تا پنهان شدن خورشید ادامه خواهد داشت؛ و اگر این گونه نباشد در مشروعیت روزه اشکال به وجود می آید! سید سعید حکیم چنین فتوا داده است.
۵. اگر بتواند هجرت کند که چنین می کند؛ وگرنه سید روحانی در برابرش چندین اختیار قرار می دهد که هر کدام را که می خواهد برمیگزیند؛ و شرح آن تقدیم شد.

به علاوه پس از پرداختن به آرا و نظرات علما دانستیم که برخی از آن ها -چه شیعه و چه سنی- تفاوتی بین حکم نماز و روزه در این مناطق قائل نشده اند؛ و همین طور برای حالت کوتاه بودن روز یا شب و حالت همیشگی بودن یکی از آن دو نیز فرقی نگذاشته اند.

حال اگر بخواهیم تعداد نظرات مطرح شده در مسئله مورد بحث را بفهمیم، فقط علمای شیعه نزدیک به ۲۳ نظر دارند، که ما فقط هشت نظر از آن ها را مطرح کردیم؛ و اگر آرای برخی از علمای اهل سنت را نیز در این سلسله مقالات اضافه کنیم، در مجموع نزدیک به ۳۰ رأی خواهد شد که صاحب هر کدام از آن ها چنین نشان می دهد که این حکم، حکم شرعی همین مسئله است!

تأکید می کنم ما اگر بخواهیم تمام آرا و پیشنهادهایی را که علمای شیعه و سنی ارائه کرده اند شرح دهیم، ثمرۀ این کار به آن حد از فتاوی خواهد رسید که شایستگی آن را خواهد داشت تا به عنوان یک رکورد در مجموعه «گینس» ثبت شود! بر هر عاقلی است که پس از بیان این مطلب، وضعیت امتی را که وضعیت علمایش تنها در یک مسئله شرعی چنین است بشناسد.

[برگرفته از مطالب و نگاشته های دکتر علاء السالم در کتاب رساله های تطبیقی/ احکام نماز و روزه در قطب]

حائری چنین فتوا داده است.
۵. روزه در آن مناطق با توجه مناطق معتدل است. شیخ مکارم شیرازی طبق این نظر فتوا داده است.
۶. مشروعیت روزه به عنوان ادای فریضه اشکال پیدا می کند و قضا در فصول دیگری از سال که در آن ها شب از روز متمایز است، معین می شود. سید محمد سعید حکیم چنین فتوا داده است.
۷. اگر امکان داشته باشد مهاجرت از این شهرها بر او واجب است؛ وگرنه برای روزه خود وقتی در نظر می گیرد؛ و در نظر گرفتن به صورت زیر خواهد بود: یا با در نظر گرفتن نزدیک ترین شهرهای معتدل به اوست، یا تنها با در نظر گرفتن شهرهای معتدل است، یا با در نظر گرفتن وطن سابق خودش است. سید محمد صادق روحانی چنین فتوا داده است.

حالت کوتاه بودن شب یا روز در مناطق قطبی:

اول: نماز که شامل نظراتی است:

۱. طبق اوقات خاص نسبت به آن منطقه است بدون هیچ تفصیل دیگری، به خصوص نماز ظهر. اگر نتواند به دلیل طول روز به صورت ادا به جا آورد فقط به قضا بسنده می کند. آقای سیستانی چنین فتوا داده است.
۲. طبق شهر مکه مکرمه یا دیگر مناطق معتدل است. سید صادق شیرازی چنین فتوا داده است.
۳. طبق نزدیک ترین شهر است؛ مثلاً اگر افق یا فجر ناپدید شود برای شناخت وقت، در نظر گرفتن نزدیک ترین شهری که در آن، افق یا فجر وجود دارد معتبر می شود. سید کاظم حائری چنین فتوا داده است.
۴. نظر سید سعید حکیم ناظر بر این مطلب است که اوقات نماز در آن مناطق برای حالت ذکر شده، مطابق با تفصیل خاصی است و جزئیاتش در آنچه گذشت جایی که فتوای وی نقل شد بیان گردید.
۵. اگر نتوانست هجرت کند که چنین می کند؛ وگرنه اوقات نماز بر اساس چندین اختیار در نظر گرفته خواهد شد؛ که در فتوای آقای روحانی تقدیم شد.

دوم: روزه، که این نیز شامل نظراتی است:

۱. نقل مکان به شهری که در آن امکان روزه گرفتن فراهم باشد، بر وی واجب است یا در ماه رمضان یا پس از

سید احمد الحسن:

چه بسا کسی که در خصوص هر مسئله ای فتوا می دهد، اگر دلیل نقلی برای آن نداشته باشد، با زبان حال خویش به امام مهدی علیه السلام می گوید: ای فرزند فاطمه! برگرد که ما به تو نیازی نداریم.

(گوساله، جلد ۲، مبحث «تشریع (قانون گذاری) با برهان عقلی»)

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستداران اهل بیت (علیهم السلام)!

فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،

سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان!

فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان!

تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای اهل سنت!

آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین!

منجی بشریت با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.